



## عوامل و راه کارها و موانع‌های بهره‌مندی معنوی از قرآن کریم

جلسه‌ی سوم - ۹۰/۱/۳۰

✓ سوره‌ی بقره - آیه‌ی ۱۸۵

✓ سوره‌ی نساء - آیه‌ی ۸۲

✓ سوره‌ی اعراف - آیه‌ی ۲۰۴

✓ سوره‌ی نحل - آیه‌ی ۹۸

✓ سوره‌ی اسراء - آیه‌ی ۴۱

✓ سوره‌ی اسراء - آیه‌ی ۸۲

✓ سوره‌ی اسراء - آیه‌ی ۸۹

✓ سوره‌ی فرقان - آیه‌ی ۳۰

✓ سوره‌ی فرقان - آیه‌ی ۳۲

✓ سوره‌ی روم - آیه‌ی ۵۸

✓ سوره‌ی سبأ - آیه‌ی ۳۱

✓ سوره‌ی زمر - آیه‌ی ۲۷

✓ سوره‌ی احقاف - آیه‌ی ۲۹

✓ سوره‌ی واقعه - آیات ۷۷ تا ۷۹

✓ سوره‌ی قمر - آیه‌ی ۱۷

✓ سوره‌ی حشر - آیه‌ی ۲۱

✓ سوره‌ی انشقاق - آیه‌ی ۲۱

قرآن کریم حاوی معارف عظیم الهی است که مبدأ و منشأ همه‌ی آموزه‌های دینی می‌باشد. علاوه بر آن، خود قرآن بهترین وسیله برای هدایت معنوی انسان به سوی خداوند و آسان‌ترین راه برای اتصال با مبدأ هستی می‌باشد. این راه برای همه و با هر ویژگی، در دسترس نیست، بلکه انسان باید با دفع موانع و تحصیل شرایطی خاص، ظرفیت پذیرش این حقایق را در خود ایجاد کند تا بتواند از هدایت معنوی قرآن بهره ببرد.

در روایات داریم قرآن دارای هفت و یا هفتاد بطن است. دستیابی به هر بطن موانع خاص خودش را دارد، بنابراین همانطور که حقایق قرآن لایه لایه است، موانع نیز دارای سطوح مختلف می‌باشد. برای راهیابی به حقیقت قرآن، طهارت باطنی شرط لازم است و هر قدر این طهارت بیشتر باشد، انسان به حقایق بیشتری از قرآن دست خواهد یافت.

در این مبحث برآنیم تا راه‌های بهره‌مندی معنوی و هدایتی از قرآن را از لابه لای آیات قرآن بکاویم، و برای این کار ابتدا مروری گذرا و سطحی بر آیات مربوط داشته و سپس به شرح و توضیح هر یک خواهیم پرداخت. در جلسات قبل به آیات ابتدایی سوره‌ی بقره اشاره و در این جلسه به تکمیل آن می‌پردازیم:

✓ سوره‌ی بقره - آیه‌ی ۱۸۵

«شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَىٰ وَالْفُرْقَانِ...»

آیات قرآن کریم در طول ۲۳ سال از روز مبعث (۲۷ رجب) تا آخرین روزهای عمر پیامبر اکرم (ص)، به تدریج بر ایشان نازل و آن حضرت آنها را به مردم ابلاغ می‌فرمودند. از سویی در موارد متعددی مثل همین آیه، بر نزول قرآن کریم در ماه مبارک رمضان تاکید شده است. در بیان علت این اختلاف، دیدگاه‌های گوناگونی توسط مفسرین علوم قرآنی مطرح شده است. پاسخ علامه طباطبایی<sup>(ه)</sup> به سوال فوق این است که *انزال* قرآن با *تنزیل* آن متفاوت است. به عبارتی قرآن دو نوع نزول داشته است: یک نوع آن که «تنزیل» و یا همان *نزول تدریجی، تفصیلی و نجومی* آیات قرآن در طول ۲۳ سال است. و نوع دیگر آن *نزول یک باره و آنی حقیقت قرآن بر قلب پیامبر اکرم (ص)* می‌باشد که به آن «انزال» و یا *نزول جملی* گفته می‌شود. تنزیل قرآن در طول ۲۳ سال و انزال آن یک باره و در ماه مبارک رمضان بوده است.

در آیه‌ی فوق قرآن «هُدًى لِلنَّاسِ» (هدایتی برای عموم مردم) ذکر شده است، یعنی قرآن فقط برای بیان معارف و تعلیم علوم نیست، بلکه هدف اصلی آن هدایت به سوی خداوند می‌باشد.

هدایت به دو صورت انجام می‌شود: گاهی هدایت فقط نشان دادن راه و ارائه‌ی طریق است، که در این حالت تضمینی برای وصول مقصد وجود ندارد. ولی گاهی هدایت ایصال الی المطلوب است. یعنی نه تنها راه و هدف معرفی می‌شود، بلکه فرد را تا رسیدن به مقصد همراهی می‌کند. ظاهر قرآن ارائه‌ی طریق می‌کند و باطن آن ایصال المطلوب، لذا کاملترین هدایت است.

«هُدًى لِلنَّاسِ» اشاره به هدایت ظاهری قرآن است که همه‌ی مردم را در بر می‌گیرد، (خطاب «ناس» عموم مردم را شامل می‌شود). و ادامه‌ی آیه که می‌فرماید «وَيَبِّنَتٍ مِّنَ الْهُدَىٰ وَالْفُرْقَانِ» اشاره به هدایت باطنی و خاص قرآن و ایصال الی المطلوب است. باطن قرآن انسان را تا رسیدن به هدف نهایی و اتصال به مبدأ هستی، گام به گام همراهی می‌کند. قرآن کریم هم «بَيِّنَتٍ» است، یعنی راه‌های روشن فراوان پیش پای انسان می‌گذارد و هم «الْفُرْقَانِ» که قدرت تشخیص خوبی از بدی را به انسان می‌دهد. البته هدایت باطنی قرآن برای عموم مردم نیست، لذا باید به دنبال راه‌هایی باشیم که از این هدایت درونی، باطنی و معنوی قرآن بهره ببریم.

«ناس» در قرآن عموم و توده مردم را شامل می‌شود. همه مردم از مسلمان، مومن، کافر، منافق، مخبت، مخلص، متوکل و.. حتی کسانی که با قرآن ضدیت دارند می‌توانند از قرآن بهره ببرند. به عنوان نمونه احکام اجتماعی قرآن که بر اساس روابط انسانی و حقوق متقابل می‌باشد، برای همه‌ی انسان‌ها مفید و موجب هدایت آنها به صلاح خواهد شد. ولی در کنار این هدایت، افراد خاص و مؤمنین حقیقی به بینات قرآن و فرقان دست پیدا می‌کنند که ایصال الی المطلوب است. قرآن هدایت عمومی را در دسترس همه قرار می‌دهد، ولی برای هدایت خاص شرط و شروطی قائل شده است.

✓ سوره‌ی نساء - آیه‌ی ۱۲

«أَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ ۚ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا»

این آیه بیشتر بر تدبّر عقلانی تاکید و قرآن را معجزه‌ای می‌داند که به طور قطع و یقین از سوی خداوند بوده و ساخته‌ی

دست بشر نیست.

«تدبیر» هم خانواده با «دبر» و به معنای پیگیری موضوع است. اگر در قرآن تدبیر و دقت شود، هیچ اختلاف متنی در آیات قرآن وجود ندارد، و قرآن از این نظر معجزه است. متنی که در طول ۲۳ سال و به تدریج نازل شده و با امکانات بسیار محدود آن زمان مکتوب و جمع‌آوری شده و پس از آن طی قرن‌ها و در کشورهای مختلف بارها و بارها چاپ شده و به پرتیراژترین نسخه‌ی دنیا تبدیل شده، ولی با این وجود هیچ اختلافی در متن آن وجود ندارد. اگر در کنار این موضوع، تحدی قرآن از یک سو و دشمنی فراوان در طول عصرهای گذشته و حال را از سوی دیگر در نظر بگیریم، معجزه بودن قرآن ثابت می‌شود.

البته در برداشت محتوایی از قرآن اختلاف نظر وجود داشته و خواهد داشت و همین موضوع موجب شده تا تفسیر قرآن علمی باشد که همیشه طراوت داشته و حرفهای نویی برای بیان داشته باشد. در روایات ما فراوان مشاهده می‌شود که از معنای قرآن از ائمه علیهم السلام سوالاتی پرسیده و ایشان توضیحاتی بیان کرده‌اند.

در کلام معصومین علیهم السلام گاه بیانات به ظاهر متناقض دیده می‌شود که یا به علت رعایت تناسب نوع مخاطب بوده و یا در مقام تقیه، که این موارد در فقه و اصول به طور دقیق مورد ارزیابی قرار می‌گیرد، ولی در متن قرآن هیچگونه اختلافی وجود ندارد و اگر در ظاهر برخی آیات عده‌ای شبهه‌ای مطرح کرده‌اند، مفسرین ما به همه‌ی آنها پاسخ داده‌اند.

این آیه پاسخ افرادی است که در خدایی بودن قرآن تردید داشته و شبهه کرده‌اند.

در سوره‌ی محمد - آیه ۲۴ نیز متن مشابهی وجود دارد: «أَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا» عبارت اول این آیه با آیه‌ی قبل مشابه است، ولی از ادامه‌ی آیه مشخص می‌شود که این تدبیر با آیه‌ی قبل متفاوت دارد. در اینجا بحث متن و ظاهر تدبیر عقلانی مطرح نیست، بلکه می‌فرماید بر قلب و دل‌هایشان قفل زده شده است.

ما اغلب تدبیر را با درایت، اندیشه و عقل معادل می‌دانیم، ولی این آیه نوع دیگری از تدبیر را مطرح کرده است. گاهی انسانی بسیار عالم و با سواد مطالعات قرآنی بسیاری انجام می‌دهد، ولی هدفش جمع‌آوری معلومات نظری است و شاید تا آخر عمر نیز از نورانیت قرآن بهره‌ای نبرد. منظور از تدبیری که در این آیه آمده، تدبیر در حقیقت عملی و تدبیر گرایشی است، که ماحصل آن تحقق عملی اخلاق و حقیقت معارف در قلب و دل انسان است. (در عرفان نظری و عملی نیز به عارفی که حقایق در وجودش تحقق یافته باشد، عارف محقق گفت می‌شود.)

بنابراین تدبیر در این آیه امری درونی و قلبی است، نه فکری و ذهنی. به عبارت دیگر در این تدبیر فرد به این می‌اندیشد که آیا آنچه در قرآن پیرامون صفات و اخلاق انبیاء و اولیاء گفته شده در وجود وی به طور عملی محقق شده است یا خیر؟ و یا

چه مقدار فرد به مشاهدات و حالات اولیاء الهی در درون آراسته شده است؟ بنابراین با توجه به اینکه عبارت دوم آیه، بحث قلب و دل را مطرح کرده، جمله‌ی اول نیز تدبّر درونی را مدنظر دارد.

در اصطلاح قرآن، قلب محل دریافت حقایق و معنویات است. گاهی این قلب زنگار می‌گیرد و گاهی کاملاً مهر و موم شده و به روی حقایق مسدود می‌شود. در آیات ابتدایی سوره‌ی بقره اشاره شده که «ختم الله علی قلوبهم» یعنی قلوب کافران هیچ روزنه‌ای به سوی حقیقت ندارد. اگر انسان می‌خواهد حقایق به قلبش راه پیدا کنند، باید زنگارها را از آن بزدايد.

در روایتی از امام صادق علیه‌السلام داریم (وسایل الشیعه - جلد ۱۲ - صفحه ۴۱):

« مَنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَاعِظٌ مِنْ قَلْبِهِ وَ زَاجِرٌ مِنْ نَفْسِهِ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ قَرِينٌ مُرْشِدٌ اسْتَمَكَنَ عَدُوَّهُ مِنْ عُنُقِهِ »

هر کس از نفس و درون خودش واعظی نداشته باشد (که از درون او را پند دهد) و از درون خودش زجر بکشد (تا او را از

سوق به سمت بدیها منع کند) و اگر همنشین مرشدی نداشته باشد، دشمنش روی گردنش خواهد نشست. (شیطان اختیار او را به دست می‌گیرد)

این روایت نیز تأکیدی است بر تدبّر درونی. اگر می‌خواهیم از قرآن استفاده‌ی معنوی ببریم، باید به درون خویش رجوع

کرده و موانع درونی را از بین ببریم.

✓ سوره‌ی اعراف - آیه‌ی ۲۰۴

«وَإِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَأَنْصِتُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ»

«استماع» با سمع و شنیدن از نظر معنی متفاوت و به معنای گوش فرا دادن دقیق و محتوایی است. این آیه تأکید می‌کند

هنگامی که قرآن خوانده می‌شود با دقت به معانی و مفاهیم آن توجه کنید.

«لعلّ» معمولاً به معنای شاید ترجمه می‌شود. شاید دو معنی داشته و گاه به معنای احتمال و گاه به معنای شایستگی است.

معمولاً در فارسی شاید را به معنای احتمال در نظر می‌گیریم، ولی «لعلّ» در قرآن هنگامی که از سوی خداوند باشد، معنای

قطعی دارد. یعنی اگر این کار را انجام دهی، شایسته است به این نتیجه برسی و چون این وعده از سوی خداوند مطرح شده،

معنای قطعی و یقین می‌دهد.

بنابراین خداوند در این آیه می‌فرماید، اگر به آیات قرآن با دقت توجه کنید، قطعاً مورد رحمت الهی قرار خواهید گرفت، پس یکی از راه‌های جلب رحمت خداوند/ستماع آیات قرآن می‌باشد.

رحمتی که در این آیه آمده رحمت رحیمی‌ی خداوند است، نه رحمانیه. در توضیح باید گفت خداوند دو نوع رحمت دارد: (۱) رحمت رحمانیه و (۲) رحمت رحیمی‌ی. رحمت رحمانیه‌ی خداوند همه‌ی موجودات را در برمی‌گیرد. جماد و نبات و حیوانات، انسان‌های مومن و کافر و ... همگی مشمول این نوع رحمت الهی هستند، به عبارتی هر موجودی برای بود بودنش، نیاز به این رحمت خداوند دارد، ولی رحمت رحیمی‌ی خداوند فقط شامل حال مؤمنین می‌شود. این رحمت خداوند هدایت‌های خاصی را شامل می‌شود که در اثر آن، راه حقیقت به مؤمنین و اولیاء الهی نشان داده می‌شود. هدایت و رحمتی که در آیه‌ی فوق آمده نیز رحمت رحیمی‌ی الهی است که فقط شامل مؤمنین می‌گردد.

بنابراین کمترین ادبی که در برابر قرآن باید رعایت کرد این است که هنگام تلاوت قرآن سکوت را رعایت کرده و سعی کنیم با دقت به معانی قرآن توجه کنیم.

✓ سوره‌ی نحل - آیه‌ی ۹۱

«فَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ»

این آیه به یکی دیگر از موانع بهرمندی از قرآن اشاره می‌کند. هر چند خطاب آیه پیامبر اکرم (ص) می‌باشد، ولی عموم را شامل می‌شود. می‌توان گفت ظاهر آیه عموم مردم را مورد خطاب قرار داده، ولی باطن و حقیقت آن اولیاء الهی و پیامبر اکرم (ص).

در روایتی از امام باقر علیه‌السلام داریم (کافی - جلد ۱ - صفحه‌ی ۳۱۱):

«إِنَّمَا يَعْرِفُ الْقُرْآنَ مَنْ خُوطِبَ بِهِ»

تاکید روایت بر این است که قرآن را فقط مخاطب آن می‌فهمد، لذا می‌توان گفت تنها کسی که به راستی حقایق قرآن را درک می‌کند، شخص پیامبر اکرم (ص) است، زیرا مخاطب اصلی قرآن ایشان می‌باشد. لذا اگر مخاطب آیه‌ی فوق را پیامبر بدانیم، منظور باطن و حقایق بالای قرآن است، نه قرائت ظاهری آیات.

استعاذه به معنای قرار گرفتن در پناه خداوند از شر شیطان می‌باشد و مهم توجه درونی است، نه فقط گفتن لفظی آن. چه بسا تلاوت‌هایی که ریا بوده و موجب خشنودی ابلیس باشد. در این آیه «ال» در «الشیطان»، عهد ذهنی است، یعنی همان شیطان شناخته شده که منظور ابلیس است. البته در ادامه‌ی آیات خداوند تصریح می‌کند که شیطان قدرت تسلط بر مؤمنین و متوکلین بر خداوند را ندارد. تسلط شیطان فقط بر کسانی است که از او پیروی می‌کنند و دنباله‌رو او هستند. بنابراین راه نجات از وسوسه‌های شیاطین این است که خودمان را به طور حقیقی، نه لفظی، در پناه خداوند قرار دهیم. این اصل به هنگام قرائت و یا هر گونه ارتباط لفظی یا معنایی با قرآن بیشتر مورد تاکید قرار گرفته است.

پیامبر اکرم (ص) در ضمن وصیّت‌های خود به امیرمؤمنان علی علیه السلام می‌فرماید (مستدرک الوسائل - جلد ۴ - صفحه‌ی ۲۴۹):

«رُبَّ تَالٍ لِلْقُرْآنِ وَالْقُرْآنُ يُلْعَنُهُ»

چه بسا تلاوت‌کننده قرآنی هست که قرآن او را لعنت می‌کند.

معلوم است چنین تلاوت‌کننده‌ای تحت تسلط شیطان است، لذا تلاوت او نه تنها نفعی برای او ندارد، بلکه هر چه بیشتر

می‌خواند، بیشتر از رحمت خداوند دور می‌شود.

بنابراین این آیه نیز به یکی از نکات کاربردی برای استفاده‌ی معنوی و هدایتی از قرآن کریم اشاره می‌کند. / استعاذه‌ی عملی

به خداوند، پیش شرط مهم برای برقراری ارتباط معنوی با قرآن است.

✓ سوره‌ی اسراء - آیه‌ی ۴۱

«وَلَقَدْ صَرَّفْنَا فِي هَذَا الْقُرْآنِ لِيَذَكَّرُوا وَمَا يَزِيدُهُمْ إِلَّا نُفُورًا»

این آیه به تعدّد و گوناگونی بیان‌های مختلف برای هدایت معنوی قرآن اشاره می‌کند، تا راهی باشد برای ذکر و یاد خداوند.

هدف اصلی قرآن این است که یاد خداوند را در دلها زنده کند، ولی بسیاری هستند که قرآن جز افزایش نفرت و تنفر درونی

برای آنها حاصلی ندارد. خداوند در قرآن هر چه برای هدایت لازم است را گنجانده، ولی با این وجود عده‌ای نه تنها از آن

بهره نمی‌برند، بلکه ارتباط با قرآن فقط بر نفرت آنها اضافه می‌کند. معلوم است در درون چنین افرادی کفر، شرک، نفاق، عناد،

غل و غش و ایستادگی در برابر حق به قدری زیاد شده که نه تنها معنویت و نورانیت قرآن هیچ اثری در آنها ندارد، بلکه

موجب گریز آنها هم می‌شود.

«نُفُورًا» به معنای نفرت می باشد که هم نفرت درونی را شامل می شود و هم نفرت بیرونی.

بنابراین همانطور که در آیات قبل نیز تاکید شد، قرآن اثری دو سویه دارد، برای مؤمنین رحمت و شفاست و برای ظالمین نفرت و ظلمت. این نکته را حتی در مورد استفاده‌ی ظاهری قرآن نیز باید رعایت کرد. گاهی صوت قرآن در شرایط و یا مکان‌هایی پخش می شود که آثار سوء زیادی برای مخاطب ایجاد می کند، که باید دقت لازم در این امور انجام شود.

✓ سوره‌ی اسراء - آیه‌ی ۴۵ و ۴۶

«وَإِذَا قُرَأَتْ الْقُرْآنُ جَعَلْنَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ حِجَابًا مَّسْتُورًا» ﴿۴۵﴾

هنگامی که قرآن تلاوت می کنی بین تو و بین کسانی که به آخرت ایمان ندارند، حجابی قرار می دهیم.

«قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةٌ أَنْ يَفْقَهُوهُ وَفِي آذَانِهِمْ وَقْرٌ وَإِذَا ذُكِرْتِ رَبِّكَ فِي الْقُرْآنِ وَحْدَهُ وَلَوْ أَعْلَىٰ أَدْبَرِهِمْ نُفُورًا» ﴿۴۶﴾

و بر قلوب آنها پرده‌ای قرار می دهیم تا نتوانند قرآن را بفهمند و درک کنند، و گوش‌هایشان را هم دچار کم شنوایی می کنیم، و هنگامی که پروردگارت را به یگانگی یاد کردی، آنها به تو پشت کرده و می گریزند.

با دقت در آیات فوق، می بینیم که صحبت از قلب و درون است. چنین افرادی بر قلبهایشان پرده و حجاب افکنده شده، لذا هیچ گیرندگی برای حقایق ندارند، در نتیجه قرآن هم تاثیری در آنها نخواهد داشت. ویژگی فوق هر چند در توصیف کفار و مشرکین آمده، ولی مراتب و درجات پایین تر آن در مانیز وجود دارد. برطرف کردن این حجاب‌ها شرط استفاده‌ی معنوی از قرآن است.

✓ سوره‌ی اسراء - آیه‌ی ۸۲

«وَنُزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا»

قرآنی که بر شما نازل کردم، چیزی جز شفا و رحمت برای مؤمنین نیست، و برای ظالمین جز خسران چیزی نخواهد داشت.



قرآن برای مؤمنین رحمت (رحمت رحیمیه) و شفا و بهبودی است. شفای قرآن، هم بیماری‌های جسمی را در برمی‌گیرد و هم امراض روحی را. در روایات داریم که آیات قرآن موجب درمان بیماری‌های جسمی می‌شود. البته این موضوع جانشین دکترو دارو نمی‌شود، بلکه در کنار بهره‌گیری از اسباب و وسایل، باید توجه انسان به خداوند باشد.

این آیه از آیاتی است که صراحتاً قرآن را موجب زیان و خسران برای ظالمین می‌داند. عبارت آیه وصف مشعر به علیّت است، یعنی اینها چون ظلم می‌کنند، دچار این خسارت می‌شوند. بنابراین یکی از موانع مهم در بهره‌وری هدایتی و معنوی از قرآن ظلم است. البته ظلم در قرآن دامنه‌ی بسیار وسیعی دارد. ظلم از نظر لغوی یعنی چیزی در جایی که مستحق و شایسته‌ی آن است قرار داده نشود. شایسته آن است که انسان در برابر حق و خداوند ایستادگی نکند. بنابراین هرگونه مخالفت با اوامر الهی، به هر شکل و هر اندازه، ظلم است، خواه این مخالفت از نظر فکری و عقیدتی باشد، یا به شکل عملی. از سوی دیگر اگر از نعمت‌های الهی استفاده‌ی به جا نکنیم نیز از مصادیق ظلم است. لذا برای استفاده‌ی معنوی و هدایتی از قرآن باید از ظلم به هر شکل و نوع آن فاصله بگیریم.

در عبارت اول آیه‌ی مذکور داریم: «وَنُزِّلَ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ» اگر این عبارت را با عبارت آیه‌ی ۱۰ سوره‌ی بقره که می‌فرماید: «فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فَزَادَهُمُ اللَّهُ مَرَضًا» مقایسه کنیم، از مقابله‌ی شفا و مرض می‌توان گفت قرآن برای مؤمنین شفای جسم و روح است و برای کافران و منافقین، مرض و بیماری.

بنابراین قرآن شفای بیماری‌های جسمی، روانی، اخلاقی و معنوی ماست، ولی همین قرآن برای اهل ظلم جز خسران و بدبختی و مرض ثمری نخواهد داشت. در آیه‌ی فوق داریم: «وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا» و در آیه‌ی ۱۰ سوره‌ی بقره می‌فرماید: «فَزَادَهُمُ اللَّهُ مَرَضًا». عبارات فوق هر دو موید جمله‌ی فوق می‌باشد.

✓ سوره‌ی اسراء - آیه‌ی ۱۹

«وَلَقَدْ صَرَّفْنَا لِلنَّاسِ فِي هَذَا الْقُرْآنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ فَأَبَى أَكْثَرُ النَّاسِ إِلَّا كُفُورًا»

این آیه نیز مشابه آیات قبلی است. قرآن به همه‌ی مردم عرضه شده است، ولی اکثر مردم در برابر آن کفران می‌کنند.

✓ سوره‌ی كهف - آیه‌ی ۵۴

«وَلَقَدْ صَرَّفْنَا فِي هَذَا الْقُرْآنِ لِلنَّاسِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ وَكَانَ الْإِنْسَانُ أَكْثَرِ شَيْءٍ جَدَلًا»

اغلب مردم در برابر حقایق قرآن ایستاده و مجادله می‌کنند. جدل و مجادله یعنی حق را می‌فهمد و آگاهانه در برابر حق

ایستادگی می‌کند. عدم تسلیم در برابر حق و حقیقت یکی از موانع استفاده معنوی از قرآن می‌باشد.

در بسیاری از موارد ما هم در حالی که حق را می‌دانیم، در برابر آن ایستادگی می‌کنیم، به خصوص در برابر شاگرد و یا در مقابل زن و فرزند اعتراف به اشتباه خیلی سخت می‌باشد. همین روحيات موجب می‌شود تا نتوانیم از حقایق قرآن بهره ببریم.

✓ سوره‌ی فرقان - آیه‌ی ۳۰

«وَقَالَ الرَّسُولُ يَرْبِّ إِنَّ قَوْمِي أَخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا»

پیام آیه این است که ما به عنوان قوم و امت پیامبر اکرم (ص) باید تلاش کنیم با استفاده‌ی معنوی از قرآن، آن را از هجران در آوریم. عامل اصلی هجران قرآن، عمل نکردن به آن است. استفاده‌ی معنوی، اخلاقی و معارفی از قرآن و عمل به آموزه‌های آن موجب می‌شود تا قرآن از هجران درآید.

✓ سوره‌ی فرقان - آیه‌ی ۳۲

«وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ الْقُرْآنُ جُمْلَةً وَاحِدَةً كَذَلِكَ لِنُثَبِّتَ بِهِ فُؤَادَكَ وَرَتَّلْنَاهُ تَرْتِيلًا»

نزول تدریجی قرآن یکی از عوامل ثبات آموزه‌های آن در میان مردم بوده است. کافران آرزو داشتند که قرآن یک‌باره نازل می‌شد تا اینکه راحت‌تر با آن به مقابله پردازند. شاید از این آیه استفاده شود که قرائت و استفاده تدریجی هم عامل مؤثری در بهره‌مندی معنوی از قرآن است.

✓ سوره‌ی روم - آیه‌ی ۵۱

«وَلَقَدْ ضَرَبْنَا لِلنَّاسِ فِي هَذَا الْقُرْآنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ وَلَئِنْ جِئْتَهُمْ بِآيَةٍ لَيَقُولَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا مُبْطِلُونَ»

بحث «مثل» در قرآن، گسترده و مفصل است. در قرآن آیات متعددی وجود دارد که از مثل و تشبیه استفاده شده است. گاهی از ضرب‌المثل‌ها برای توضیح نکات اخلاقی و تربیتی استفاده می‌شود، تا مطالب برای مخاطب بهتر جا بیفتند. گاهی نیز مثال، تشبیهی است برای حقیقتی بالاتر. ما برای آموزش کودکان از تشبیه و مثال استفاده می‌کنیم و در این کار از نمونه‌هایی که کوچکتر و محدودتر از حقیقت اصلی هستند، بهره می‌بریم. در این توصیف، هر چیزی برای نمونه‌ی بالاتر خود مثال است. بنابراین می‌توان کل قرآن را مثالی برای حقیقتی بالاتر دانست که در آن مکنون است.

توضیح این مطلب در مباحث آینده ان شاء الله ذکر خواهد شد.

✓ سوره‌ی سبأ - آیه‌ی ۳۱

«وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَنْ نُؤْمِنَ بِهَذَا الْقُرْآنِ وَلَا بِالَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ ۗ وَلَوْ تَرَىٰ إِذِ الظَّالِمُونَ مَوْقُوفُونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ يَرْجِعُ بَعْضُهُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ الْقَوْلَ يَقُولُ الَّذِينَ الَّذِينَ اسْتَضَعُّوا لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا لَوْلَا أَنْتُمْ لَكُنَّا مُؤْمِنِينَ»

✓ سوره‌ی زمر - آیه‌ی ۲۷

«قُرْآنًا عَرَبِيًّا غَيْرِ ذِي عِوَجٍ لَّعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ»

✓ سوره‌ی احقاف - آیه‌ی ۲۹

«وَإِذْ صَرَفْنَا إِلَيْكَ نَفْرًا مِّنَ الْجِنِّ يَسْتَمِعُونَ الْقُرْآنَ فَلَمَّا حَضَرُوهُ قَالُوا أَنْصِتُوا ۗ فَلَمَّا قُضِيَ وَلَّوْا إِلَىٰ قَوْمِهِمْ

مُنذِرِينَ»

✓ سوره‌ی قمر - آیه‌ی ۱۷

«وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِن مُّدَكِّرٍ»

✓ سوره‌ی واقعه - آیات ۷۷ تا ۷۹

«إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ ﴿۷۷﴾ فِي كِتَابٍ مَّكْنُونٍ ﴿۷۸﴾ لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ ﴿۷۹﴾»

این چیز خواندنی، بسیار کریم و بزرگوار است. این قرآن در کتاب مکنون قرار گرفته است. این قرآن را فقط مطهرون مس می‌کنند.

در تفسیر «كِتَابٍ مَّكْنُونٍ» مطالب بسیاری گفته شده که بحث مفصلی می‌طلبد، که در آینده به آن اشاره خواهد شد.

در توضیح آیه‌ی «لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ» مطالب مختلف و تفاسیر گوناگونی مطرح شده که به لایه‌های مختلفی از آن

اشاره می‌کند. معنای ظاهری آیه حکم فقهی است که باید با طهارت و وضو به قرآن دست زد. معنای باطنی آیه مرتبط با کتاب

مکنون می‌باشد. فقط با طهارت درونی و باطنی می‌توان به حقیقت قرآن و کتاب مکنون راه یافت، بنابراین شرط اصلی استفاده از قرآن طهارت است.

همانطور که طهارت گسترده‌ی وسیعی دارد، بهره‌ی از قرآن نیز مراتب گوناگونی دارد. استفاده از هر مرتبه‌ای، طهارت مخصوص خود را می‌طلبد. بالاترین طهارت قلبی متعلق به پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت علیهم السلام می‌باشد، لذا بیشترین استفاده و بهره را این انوار مقدس از قرآن دارند.

✓ سوره‌ی حشر - آیه‌ی ۲۱

«لَوْ أَنْزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَىٰ جَبَلٍ لَّرَأَيْنَاهُ خُدْشًا مُّتَصِدِّعًا مِّنْ خَشْيَةِ اللَّهِ ۗ وَتِلْكَ الْأَمْثَلُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ»

در این آیه از «انزال» سخن آمده، نه تنزیل. یعنی اگر حقیقت قرآن را بر کوه (به عنوان سمبل استحکام و اقتدار) نازل می‌کردیم، از خشیت قرآن خاشع می‌شد. خداوند این مثال را زده تا شاید مردم با خواندن قرآن و یا توجه به آن، کمی خاشع شوند. انسان برای استفاده از قرآن باید انانیت خود را کنار بگذارد. هر قدر خشوع انسان بیشتر باشد، استفاده‌ی معنوی او از قرآن بیشتر خواهد شد. اگر انسان خشوع درونی نداشته باشد، از قرآن بهره‌ای نخواهد برد، حتی اگر هفتاد سال عبادت کرده باشد. قرآن برای تدبّر، تفکر، تعقل و تعمق است، نه خواندن و قرائت تنها.

✓ سوره‌ی انشقاق - آیه‌ی ۲۱

«وَإِذَا قُرِئَ عَلَيْهِمُ الْقُرْآنُ لَا يَسْجُدُونَ»

سجده، نشانه‌ی تواضع و خشوع درونی و انقیاد کامل است. سجده نماد نهایت خضوع در برابر چیزی است، زیرا انسان بهترین قسمت ظاهر صورت خویش (پیشانی) را روی خاک که پست‌ترین چیز است. می‌گذارد، یعنی خود را هیچ و نیستی محض می‌داند. رمز سجده، فناست.

بنابراین برای درک قرآن، باید انانیت خود را کنار بگذاریم. فنا هم شرط بهره برداری معنوی از قرآن است و هم نتیجه‌ی

آن.

در این جلسه مرور گذاری آیات قرآن کریم، با موضوع قرآن به پایان رسید. در جلسات آینده به شرح، توضیح و تفسیر همین آیات خواهیم پرداخت.